

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol.7,
No. 13,
Spring & Summer 2022
P 121 - 145*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۷ ش ۱۳ بهار و تابستان ۱۴۰۱
صفحات ۱۲۱ - ۱۴۵

مؤلفه‌های ارتباطات کلامی مؤثر با دیگران از منظر قرآن

علی آقا صفری* عباس خان فاضل اف*

چکیده

مدارا، مخاطب و جامعه هدف قرآن همه انسان‌های عصر نزول و پس از آن است. قلمرو هدایت‌گری قرآن همه عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی انسان را شامل می‌شود. با تأمل و تعمق در آموزه‌های کلام وحی روشن می‌گردد که ماهیت، ظرفیت و غایت انسان و مسیر رشد و تعالی همه‌جانبه او در همه ابعاد و شئون فردی و اجتماعی و نحوه تعامل مؤثر و سازنده افراد انسانی با هم‌نوعان و با محیط پیرامون از جمله پرسش‌ها و چالش‌های بنیادین و فراگیری است که در کانون رویکرد هدایتی قرآن قرار گرفته و محور و موضوع اصلی بخش عمده‌ای از آیات قرآن کریم می‌باشد. از این‌رو نگارندگان سعی دارند در این پژوهش با مراجعه به آیات کلام وحی و بهره‌گیری از اقوال مفسران و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی چگونگی تعامل مؤثر با دیگران را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و از این رهگذر ضمن ترسیم جامعیت قرآن کریم، نحوه تعامل کلامی مؤثر با دیگران در سطوح مختلف ارتباطات را به صورت کاربردی و سازنده با استناد به ادله قرآنی تبیین و تشریح نمایند. برآیند و راه‌آورد‌های پژوهش نشان

*. استادیار جامعه المصطفی العالمیه: a.a.safari1364@gmail.com

*. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی: abbasi.hisari@gmail.com

می‌دهد که قرآن کریم مؤلفه‌های همچون خوب گوش دادن و گزینش بهترین، شفاف و روشن و به بهترین نوع ممکن سخن گفتن، محققانه سخن گفتن، اجتناب از شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری، نهایت سرزنش برای شتاب‌زدگی در تکذیب، استدلال و فهم استدلال در سخن گفتن و کرامت بخشی به مخاطب در سخن گفتن، توصیه و تأکید نموده است. همچنین روشن شد التزام و پایبندی به موارد یاد شده نقش محوری در ایجاد روابط حسنه و ماندگار در خانواده و اجتماع داشته و جلوی بسیاری از کج‌فهمی‌ها و کدورت‌ها و تخاصم و تعاندها گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: تحلیل قرآنی، تعامل، ارتباط کلامی، تعامل مؤثر.

مقدمه

ماهیت اجتماعی انسان ایجاب می‌کند که آدمی با وجوه گوناگون اجتماع و مجموعه‌های درون آن ارتباط برقرار کند (دعایی، ۱۳۷۳: ۲۶). ارتباطات مؤثر نه تنها کلید فتح تمامی درهای بسته در جهان است، بلکه فعالیتی اجتناب‌ناپذیر و الزام‌آور برای زندگی فردی، گروهی و سازمانی در تمامی جوامع بشری است (فرهنگی و همکاران، ۱۳۸۳: ۹). اصولاً فرهنگ نوگرا (مدرنیته) و در تداوم آن فرهنگ و تمدن فرانویگرا (پست مدرن)، در بطن خود مراوده و ارتباطات را دارد که فرهنگ‌های دامداری، کشاورزی و یا به تعبیری سنتی در آن از مهارت کمتری برخوردارند (همان: ۱۱). دانستن مهارت‌های ارتباطی و توانایی به‌کارگیری آنها برای آحاد جامعه و به خصوص کارکنان سازمان‌ها ضرورت دارد.

لازم به ذکر است قلمروی گفتگو با دیگران توسعه یافته و هر نوع مکاتبه و محاوره حضوری و غیر حضوری را در بر می‌گیرد؛ بنابراین چت کردن با دیگران در شبکه‌های مجازی و یا کنفرانس‌های علمی و ابزارهای امروزی می‌تواند نوعی گفتگو باشد و گزاره‌های وحیانی قرآن کریم سخن گفتن با دیگران را حصر در یک جلسه و یا مکان و زمان خاص ندانسته و طرق متعدد صحبت کردن با دیگران را به رسمیت

می‌شناسد و مؤلفه‌های منحصر به فردی را نیز جهت برقراری ارتباط مؤثر و نتیجه بخش بودن آن پیشنهاد می‌دهد.

از این رو با عنایت به نقش ارتباطات مؤثر در تعامل سازنده و و همدیگر پذیری و همیاری و همکاری، ضرورت دارد که این مهم از منظر کلام وحی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ تا مشخص شود که مکانیزم‌ها و راهکارهای توصیه شده قرآن کریم جهت ارتباطات کلامی مؤثر و سازنده چیست؟ لازم به ذکر است که علی‌رغم اهمیت ارتباطات و نقش محوری را در نهادهای پنجگانه (خانواده، آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست، حکومت، دین) هنوز الگوها و شاخص‌های ارتباطات کلامی مؤثر از منظر قرآن کریم به عنوان سند راهبردی جهان اسلام استخراج نشده است. بنابراین این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال می‌باشد که مؤلفه‌های ارتباطات کلامی مؤثر از منظر قرآن چیست؟.

پیشینه تحقیق

بر پایه مطالعات انجام شده مشخص شد که ارتباطات یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در حوزه رفتار سازمانی بوده و منابع متعدد اعم از مقاله و کتاب در این حوزه تألیف شده است؛ اما در خصوص شاخص‌ها و معیارها و مؤلفه‌هایی که مستقیماً با رویکرد قرآنی تألیف شده باشد به جز چند اثر در سطح علمی و تخصصی و مروری تدوین نشده است که می‌توان به عنوان پیشینه عام این پژوهش، به آنها اشاره کرد.

یکی از منابع که در حوزه ارتباطات سازمانی از منظر قرآن کریم تدوین شده است اثر جناب آقای لطفی و حسین اف به نام «منطق و مبنای ارتباطات سازمانی بر اساس سوره نازعات» است. این اثر که در سال ۱۳۹۸ در مجله مطالعات قرآن و علوم (علمی و تخصصی) چاپ شده است به دنبال پاسخ به این سؤال است که نگاه قرآن کریم درباره ارتباطات انسانی چیست؟ منطق و مبنای ارتباطات سازمانی بر اساس سوره

نازعات چگونه است؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در قرآن کریم، تمامی روش‌ها و ابعاد ارتباطات انسانی و سازمانی قابل دسترسی است. از نظر قرآن کریم بشر نه تنها با موجودات قابل حس، بلکه می‌تواند با خالق خویش نیز ارتباط مداوم داشته و همیشه از فیض هدایت او بهره‌مند گردد. قرآن کریم ارتباط انسان را فراتر از ارتباط دانش و مدیریت دانسته، و روابط انسان را با دو موجود فرشته و جن و تأثیر و تأثر از آن را نیز تأیید می‌نماید. راهکار قرآن در ارتباطات جامع بوده و شامل ارتباطات با مردگان و آخرت نیز می‌گردد.

فرهنگی و همکارن (۱۳۹۵) در کتاب خود با عنوان «نظریه‌های ارتباطات سازمانی» به مفاهیم و نظریه‌های اساسی ارتباطات سازمانی پرداخته و در تلاش بودند تا روابط سازمانی مستقر در نظام سازمانی هزاره سوم (که مبتنی بر جریان آزاد و روان اطلاعات و سازوکارهای رقابتی چشمگیر است) را تبیین نمایند. در واقع کتاب در تلاش بود تا تعاملی میان نظریه‌ها و عمل را به‌وجود آورد. این کتاب شامل یک پیشگفتار، ۱۳ فصل و دارای ۲۸۱ صفحه می‌باشد.

اسکندری و نقی‌پور (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «نقش ارتباطات و مهارت‌های ارتباطی در دوران حکومت علی (ع)» تلاش نمودند تا با تشریح ابعاد ارتباطات و مهارت‌های ارتباطی، نقش آن در دوران حکومت علی (ع) را مشخص سازند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد امام علی (ع) به آگاهی بخشی و هشدار به مسئولان، نظارت بر کار مسئولان، کنترل دارایی و اموال مسئولان، انتخاب مدیر اصلح، ایجاد فرهنگ پاسخگویی مسئولان در مقابل مردم دعوت می‌کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که امیر مؤمنان در سایه داشتن ارتباطات خوب و مهارت‌های ارتباطی قوی با مدیران و کارگزاران خود، چهار وظیفه اصلی مدیریت را به‌نحو احسن انجام داد. حضرت علی (ع) در دوران

حکومت خود با کارگزاران و عموم مردم ارتباط خوب و پسندیده‌ای داشته و به دلیل دارا بودن مهارت‌های ارتباطی قوی، حکومتی سرشار از عدالت را برپا و هدایت کرده‌اند.

دو منبع دیگر نیز به نام «ارتباطات درون فردی در منابع اسلامی»، (۱۳۹۰)، و «معیارهای ارتباطی از دیدگاه قرآن کریم با رویکرد فردی و سازمانی» (۱۳۸۸) تدوین شده است که به نظر مباحث خوبی را ارائه نموده‌اند. همانطور که مشاهده می‌شود پژوهش پیش رو با تألیفات یاد شده متفاوت است؛ زیرا این اثر به دنبال این است که مؤلفه های ارتباطات کلامی مؤثر را با استناد به آیات کلام وحی مورد بحث و بررسی قرار دهد. بنابراین لزومی ندارد که این ارتباطات مربوط به کارکنان سازمان باشد یا جامعه و یا خانواده، مهم این است که ارتباطات کلامی مؤثر هنگامی شکل می‌گیرد که مؤلفه های مطرح شده در قرآن کریم در آن وجود داشته باشد. پس دغدغه اصلی این پژوهش بیان عناصر و مؤلفه های تشکیل دهنده ارتباطات کلامی مؤثر از منظر قرآن کریم است.

تحلیل مؤلفه های قرآنی ارتباطات کلامی مؤثر

بر پایه گزاره های وحیانی قرآن کریم ارتباطات انسان ها به شش نوع قابل تقسیم بندی است که عبارتند از: ۱-ارتباط انسان با خدا، ۲-ارتباط انسان با خود، ۳-ارتباط انسان با طبیعت، ۴-ارتباط انسان با اجتماع، ۵-ارتباط انسان با فرشته، ۶-ارتباط انسان با جن. از بین ارتباطات یاد شده عناصر و مؤلفه های ارتباطات کلامی مؤثر انسان با یکدیگر عبارتند از: خوب گوش دادن و گزینش بهترین، شفاف و رسا سخن گفتن، به بهترین نوع ممکن سخن گفتن، عالمانه و محققانه سخن گفتن، اجتناب از شتاب زدگی

در تصمیم‌گیری، نهایت سرزنش برای شتاب زدگی در تصمیم‌گیری، استدلال و فهم استدلال در سخن گفتن، کرامت بخشی به مخاطب در سخن گفتن. مؤلفه‌های ذکر شده به ترتیب با مراجعه به آیات کلام وحی و با بهره‌گیری از اقوال مفسران تبیین و تشریح می‌گردد:

۱. خوب گوش دادن و گزینش بهترین

بخش عمده‌ای از گرفتاری‌ها و خصومت‌های انسان‌ها ریشه در این دارند که به درستی سخن دیگران را گوش نمی‌دهند که چه می‌گویند و بفرض گوش دادن به دنبال تجزیه و تحلیل و گزینش احسن نمی‌روند و حال آنکه قرآن کریم با تشویق و ترغیب تصریح می‌کند که کسانی که به خوبی سخن دیگران را گوش می‌کنند و از میان آنها بهترین را گزینش می‌کنند از خردمندان عالم هستند.

«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/۱۸)، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند.

پیام شفاف این آیه شریفه این است که پیروی از احسن پیروی از طاعات الهی محسوب می‌شود مثلاً در مسئله قصاص، خدا هم اجازه قصاص به ایشان داده، و هم عفو، و ایشان عفو را پیروی می‌کنند. و نیز هم اجازه داده صدقه را آشکارا دهند و هم پنهانی، و ایشان پنهانی صدقه می‌دهند. (آلوسی، ۱۴۱۵: روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۴۲)؛ در اینکه مراد از قول چیست؟ مفسران با توجه به واژه «تبعیت» که به دنبال آن ذکر شده است گفته‌اند که: آن قولی است که ارتباطی با عمل داشته باشد، پس بهترین قول آن قولی است که آدمی را بهتر به حق برساند، و برای انسان خیرخواهانه‌تر باشد و یقیناً

گفته‌های قرآن کریم و فرمایشات رسول گرامی اسلام (ص) بهترین اقوال می‌باشند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: التحریر و التنویر، ج ۲۴، ص ۵۱)، دل‌هایشان زیباترین و خوب‌ترین آنها را بر می‌گیرند و جز آن را دور می‌اندازند. بر دل‌هایشان جز سخنان خوب نمی‌نشینند، سخنان خوبی که جان‌ها و قلب‌ها بدان‌ها اوج می‌گیرد و پاکیزه می‌گردد... جان پاک‌رو به سخن پاک می‌گشاید و آن را دریافت می‌نماید و بدان پاسخ می‌گوید. جان ناپاک جز رو به سخن ناپاک نمی‌گشاید و جز بدان پاسخ نمی‌گوید. (قطب: ۱۴۲۵: فی ضلال القرآن، ج ۵، ص ۳۰۴۵)؛ به عبارت دیگر ایشان تصریح می‌کنند که بندگان الهی بر اساس فطرت و پاکی طینت و تزکیه نفوس که دارند سخنان طیب و طاهر را می‌پذیرند و اجابت می‌کنند و قلب‌های آلوده و انسان‌های منحرف و خبیث نمی‌پذیرند مگر اباطل و خباثت را.

پس حق و رشد، مطلوب بندگان خداست، و به همین جهت هر چه بشنوند به آن گوش می‌دهند و این طور نیست که متابعت هوای نفس کنند و هر سخنی را به‌صرف شنیدن بدون تفکر و تدبر رد کنند.

براین اساس مستفاد از جمله «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» این است که: بندگان خدا طالب حق و رشدند، به هر سخنی که گوش دهند بدین امید گوش می‌دهند که در آن حقی بیابند و می‌ترسند که در اثر گوش ندادن به آن، حق از آنان دور شود.

جمله «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ» ناظر به این است که صفت پیروی از بهترین قول، خود هدایتی است الهی، و این هدایت عبارت است از طلب حق و آمادگی کامل برای پیروی از آن هر جا که یافت شود.

و جمله «وَأُولَئِكَ هُمُ الْأُولُوا الْأَلْبَابِ» یعنی این‌ها ایند تنها کسانی که صاحب عقلمند. و از این جمله استفاده می‌شود که عقل عبارت است از نیرویی که با آن به‌سوی حق راه یافته می‌شود، و نشانی عقل سالم پیروی از حق است.

غرض آنکه آیه شریفه تصریح دارد که در جامعه بشری آزادی قلم، بیان و عقیده هست؛ زیرا اگر آزادی به این معنا وجود نداشت، چگونه ممکن بود مسلمانان از میان اقوال و عقاید مختلف، بهترین آن را برگزینند، پس آزادی فکری و فرهنگی تا آنجا که به انحراف انسان از مسیر انسانیت نینجامد، در اسلام تجویز شده است.

بنابراین آزادی سخن از راه ایراد سخنرانی و خطابه در محافل علمی و فرهنگی، آزادی قلم در نوشتن مقالات و آثار تخصصی در حیطه تفکر اندیشمندان و صاحب‌نظران، آزادی مطالعه آرای گوناگون و آشنایی با عقاید مختلف برای متفکران و اندیشمندان و محدود بودن آن برای صاحب‌نظران و آنان که توانایی تشخیص نظریه صحیح از سقیم را دارا هستند. از دیگر مطالب هست که می‌توان از آیه شریفه فهمید.

البته حسب سیاق آیه شریفه و دیگر آیات مشابه افرادی که قدرت تجزیه و تحلیل هر مطلبی را ندارند و به تعبیری به زودباوری مبتلایند در برنمی‌گیرد، زیرا مخاطب باید قدرت تشخیص و قوه استنباط داشته باشد. یک گوینده یا نویسنده در محیطی می‌تواند آزادانه بگوید و بنویسد که مخاطبان او قدرت تشخیص حق از باطل را داشته باشند، پس در فضایی که مخاطبان آن مبتلا به استضعاف فکری‌اند، ترویج و تبلیغ چنین اموری آزاد نخواهد بود.

چنین آزادی به افرادی که فکری ضعیف دارند داده نشده است تا هر اثری را بخوانند و یا هر سخنی را گوش دهند؛ مانند اینکه آزادی شنا در دریای موج به غیر غواص ماهر داده نمی‌شود، زیرا غیرماهر به‌جای غوص غرق می‌شود و عوض سلطه بر

بحر، مقهور آن خواهد شد و به جای گرفتن دریا لاشه خویش را تسلیم او می‌کند. شاید چنین گمان شود که افزودن این همه شرایط بر آزادی به معنای خلاف آزادی است. گوئیم بله: این بندها به صورت بندند و به سیرت پند، به ظاهر قیدند و به باطن آزادی (جوادی آملی، ۱۳۸۹: جامعه در قرآن، ص ۴۷۹).

برپایه مشروح که افتاد مشخص شد که یکی از مؤلفه‌های اصلی تعامل و برقراری ارتباط با دیگران منوط و وابسته به شنیدن سخنان طرف مقابل است بعد از این مرحله می‌توان وارد گفتگو و به شیوه مطلوب و پسندیده و معقول که منتهی به نتیجه گردد شد و قرآن کریم از این روش استقبال نموده و مؤمنان را بدان سفارش نموده است که در ذیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲- شفاف و رسا سخن گفتن

یکی از مؤلفه‌های مؤثر ارتباطات کلامی مؤثر قدرت بیان و شفاف و رسا سخن گفتن است. بدیهی است افراد و به خصوص مدیران و رهبرانی که از این خصیصه برخوردار نباشند نفوذ کلام خویش را از دست خواهند داد. از همین رو است که انبیاء(ع) که قرآن از هدایت و رهبری آنان سخن می‌گوید، دارای این نعمت بوده‌اند و یا در صورت داشتن این نعمت از خداوند درخواست بیشتر و رساتر این نعمت را می‌کرده‌اند.

قرآن کریم از زبان حضرت موسی(ع) آن هنگام که به پیامبری مبعوث شد، یکی از درخواستها و تقاضاهای آن حضرت را اعطای قدرت بیان به آن حضرت از جانب خداوند ذکر می‌کند. تا اینکه در امر هدایت و رهبری پیام وحی را به خوبی به قومش برساند. «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي * يَقْفَهُوا قَوْلِي» (طه/۲۸-۲۷)؛ و گره از زبانم بگشای، تا

سخن مرا به طور عمیق بفهمند. در حقیقت حضرت موسی^(ع) از خدا می‌خواهد که به او توان تفهیم و تبیین معارف الهی داده شود، تا او بتواند آن پیامی که به او وحی می‌شود، با بیان شیوا برای مردم بیان کند. به بیان دیگر، از پروردگار خود تقاضا می‌کند که خدایا رابطه‌ای بین من و مردم برقرار کن که آنها مطالب و معارف را آنگونه که تو می‌خواهی، از من دریافت کنند (پیروز و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۷۷).

همانگونه که از تقاضای حضرت موسی^(ع) در امر هدایت و ارتباط با قومش فهمیده می‌شود، یکی از صفات و ویژگیهایی که شایسته هر فرد و به خصوص مدیران است که دارای آن ویژگی باشند، ویژگی قدرت بیان می‌باشد که در ارتباط پیدا کردن با زيردستان خیلی مؤثر بوده و موفقیت افراد را بیشتر می‌گرداند. از این جهت افراد باید برای هر چه قوی‌تر نمودن ارتباط با دیگران و مدیران نیز با زيردستانشان، ضروری است که دنبال این ویژگی باشند. و از خداوند تقاضای این نعمت را نمایند.

۳- به بهترین نوع ممکن سخن گفتن

دومین اصلی که قرآن کریم به‌عنوان یک قانون کلی مطرح می‌کند و قابلیت به‌کارگیری آن در هر زمان و در همه‌جا تا روز قیامت (قرطبی، ۱۳۶۴: الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۰، ص ۲۰۰)؛ فراهم است اصل مجادله و مناظره به طریقی که نیکوتر است می‌باشد و به‌صراحت مسلمانان را ملزم می‌کند در تعامل با دیگران باید از هرگونه خشونت، برتری‌جویی، توهین و تحقیر و خلاف‌گویی و استکبار طلبی و ... که امروزه به‌وفور در مناظرات و تعاملات مشهود است، دوری‌گزینند و براساس آیات شریفه «وَ جَادِلْهُمْ بِلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵)؛ «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت/۴۶)؛ مبنای گفتگو و مناظره باید حق و عدالت و درستی و امانت و صدق و

راستی باشد؛ بنابراین «مسلمانان حق ندارند مجادله کنند با اهل کتاب مگر مجادله و ستیزی که با دلائل استوار و با شیوه زیبا و دل‌انگیزی که بیانگر فلسفه رسالت نوین است باشد». (سید قطب، ۱۴۲۵: فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۲۷۴۵).

پیام شفاف آیه شریفه این است که مسلمانان باید در مواجهه با دیگران گفتگوی خود را بر پایه‌ای مدارا و نرم‌خویی و بدون درشتی و خشونت قرار دهند (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۴۵۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: تفسیر القرآن العظیم)؛ جناب آلوسی با تقسیم بندی که از سطح فکری مخاطبان دارد می‌گوید در مقام تعامل و گفتگو و مناظره اگر مخاطبان از استعداد قوی و قدرت درک و فهم بالای برخوردار باشند شیوه پیشنهادی قرآن کریم این است که از حکمت استفاده شود لکن اگر از طبقه عوام و استعدادش هم ضعیف باشد قرآن کریم دعوت به پند و اندرز نیکو دارد؛ اما دشمن باشد و در صدد اثبات باطل در این صورت قرآن کریم دعوت می‌کند که با این جماعت باید از روش مناظره و مجادله آن هم با نرمی و مدارا کردن استفاده شود. (آلوسی، ۱۴۱۵: روح المعانی، ج ۷، ص ۴۸۷)، عبارت اخری تقسیم بندی جناب آلوسی اشاره به این مطلب دارد که «انسان‌ها در پذیرش حق با یکدیگر متفاوت‌اند و باید هرکسی را با شیوه‌ای که مطابق با استعداد و ظرفیت اوست، هدایت و راهنمایی کرد» (یعقوبی، ۱۳۷۶: تفسیر کوثر، ج ۶، ص ۲۳۷).

بنابراین مناسب است بعضی را موعظه کرد و بر بعضی استدلال نمود و با بعضی مجادله کرد، و این سه راه منطبق است با فن برهان و خطابه و جدل که در علم منطق آمده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۷۲) خلاصه اینکه به اندازه قدرت فهم و تحمل مخاطب با او بحث و گفتگو شود، نه بیشتر و دغدغه اصلی باید تفهیم و احقاق حق باشد؛ زیرا از خشونت، بداخلاقی، و انانیت، هیچ نتیجه به

دست نمی‌آید براین اساس جدال احسن آن است که مجادل، جز حق نگوید و جز حق را نپذیرد؛ با سستی سخن نگفته، از ضعف رقیب سوء استفاده نکند، بلکه سخن، متقن و مستحکم (جوادی آملی، پیامبر رحمت، ص ۲۵۷)، همراه با نرمی و مهربانی با دیگران بگوید.

۴- عالمانه و محققانه سخن گفتن

یکی دیگر از زیربنای ترین مباحث در حوزه تعامل و گفتگو با دیگران سخن گفتن براساس دلیل و برهان می‌باشد. قرآن کریم در آیات متعدد دعوت می‌کند به اینکه انسان مستند، مستدل و منطبق بر عقل و منطق سخن بگوید: از این رو خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید به گروهی از یهودیان و مسیحیان که مدعی حقانیت بوده و می‌گویند هیچ‌کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد بگو که برای اثبات ادعاهای پوچ خود دلیل و برهان بیاورید (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۹۲) «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/۱۱۱)، اگر راست می‌گویید دلیل خود را بر این مدعا بیاورید.

مفسر گرانمایه جناب فخر رازی، در تبیین و تشریح آیه شریفه می‌گوید: کسی که مطلبی را ادعا می‌کند باید برای تأیید و یا رد آن دلیل و برهان اقامه کند و در ادامه آیه مبارکه را محکم‌ترین دلیل بر ابطال پیروی کردن کورکورانه دانسته و به این شعر تمسک جسته است «من ادعی شیئا بلا شاهد * لا بد أن تبطل دعواه» (فخر رازی، ۱۴۲۰: التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب، ج ۴، ص ۶)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عالمانه سخن گفتن مطلوب قرآن کریم بوده و کسانی که بدون دلیل و مدرک سخن می‌گویند مسئول بوده و باید پاسخ‌گو باشند به‌عنوان نمونه خداوند متعال در سوره اسراء آیه: «وَ

لا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا» (اسراء/۳۶)؛
و از آنچه که هیچ علمی بدان نداری، پیروی مکن؛ [چرا] که گوش و چشم و دل
(سوزان)، همگی آنها از آن پرسیده می شوند.

پیام جهانی و فرازمانی و مکانی آیه مورد بحث این است که اساس و پایه
تعاملات و گفتگوها و مناظرات برپایه دلیل و برهان باشد و ادعای بدون دلیل و مدرک
فاقد اعتبار می باشد (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و
عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۱، ص ۱۷۸). در واقع این آموزه بزرگی برای
اندیشمندان سراسر عالم است و می تواند زیربنا و شالوده هر نوع گفت و گو بین الملل و
نحل و بین هر دین و آیین و مذهب و مکتبی قرار گیرد.

استدلال و حکم کردن با دلیل و برهان از چنان اهمیت بالایی برخوردار است که
علاوه بر آیه ذکر شده در آیات دیگری هم مورد تأکید قرار گرفته است که به عنوان
نمونه می توان به این آیه شریفه اشاره نمود: «قُلْ فَأَتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا
أَتَّبِعُهُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (قصص/۴۹)، بگو: «اگر راست گویند، پس کتابی از نزد خدا
بیاورید که آن هدایت کننده تر از دو (کتاب قرآن و تورات) باشد، تا از آن پیروی کنم!

آیه شریفه در پاسخ به انجماد فکری مشرکان که بدون دلیل و برهان مطلبی را
انکار و رد می کنند نازل شده و خطاب به پیامبرش (ص) می فرماید به آن جماعت بگو
حال که شما به گزارش های کتب آسمانی (تورات و انجیل و قرآن) ایمان ندارد و آن را
نمی پذیرید و می گویند «أن هذين الكتابين سحران، و أن الحق فی غیرهما» (طبری، ۱۴۱۲:
جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۵۴)؛ پس، کتابی روشن تر و هدایت بخش تر از
آنها از سوی خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم. بی تردید که آنان به دنبال کتاب
هدایت نمی گردند؛ زیرا اگر چنین بود چه معجزه و سندی بالاتر از قرآن حکیم که

«تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) است. به حق که اگر چیزی در دست پیامبر ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) جز این قرآن نبود برای اثبات حقانیت دعوتش کفایت می‌کرد، ولی آنها حق طلب نیستند بلکه مشتی بهانه‌جویانند.

غرض آنکه قرآن کریم پایه و اساس زندگی فردی و اجتماعی بشر را مبتنی بر عقل و خرد دانسته و تصریح نموده است که مبنای تعامل و گفتگو باید با دلیل و برهان باشد نه از روی هوی و هوس و امیال و سلايق شخصی.

نکته دیگر که به نظر لازم است اشاره شود مسئله تأیید تورات از ناحیه قرآن کریم است و ممکن است برخی شبهه کنند که پس تورات تحریف نشده است لکن در پاسخ به این شبهه مفسران گفته‌اند کلیت تورات مراد است و شکی وجود ندارد که مسائل توحید، نبوت و امثال آن که در تورات ذکر شده قابل تأیید قرآن کریم است.

۵- اجتناب از شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری نقش گسترده‌ای در زندگی آدمی دارد تا آنجا که تعلل در شناخت راه‌های تصمیم‌گیری بهتر، پیامدها و خسارات جبران‌ناپذیری را برای فرد و جامعه به بار می‌آورد. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء/۳۶)، از آنچه نمی‌دانی پیروی مکن. این عدم پیروی با توجه به حوزه معنایی این آیه شریفه که وسیع و گسترده است عمومیت داشته هرگفتار یا کردار یا تصمیمی (که مبتنی بر علم و آگاهی نباشد) را شامل می‌شود. اندیشه جاهلی برپایه این اصل بنا نهاده شده بود که به اوهام، خیالات، احتمالات بها داده و براساس آن رفتار می‌کردند و انواع و اقسام تهمت‌ها و نارواها را به یکدیگر نسبت می‌دادند.

این آیه شریفه بیانگر یک ادب اخلاقی سترگ و ارزشمند است که با نهادینه شدن آن دیگر جای برای خلاف واقع سخن گفتن باقی نمی‌ماند زیرا تأکید می‌کند آنچه می‌بینی و می‌دانی و علم پیدا می‌کنی بگو و غیر از آن را اگر بگویی پاسخ‌گو خواهی بود. (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰: التحریر و التئویر، ج ۱۴، ص ۸۲). در تفسیر مراغی آمده است که مراد از آیه شریفه این است که انسان هر آنچه را که اعم از فعل و قول علم و آگاهی ندارد پیروی نکند و در ادامه تفسیرش می‌گوید این دستور قرآن کریم یک قانون اساسی جامع برای بسیاری از امور زندگی است (مراغی، بی‌تا: تفسیر المراغی، ج ۱۵، ص ۴۵) و این نهی، نهی از پیروی از غیر علم مسائلی اعتقادی و گفتار و شهادت و قضاوت و عمل را شامل می‌شود.

به نظر نگارنده این سطور نهی صورت گرفته در آیه کریمه به خاطر این است که سرمنشا سخنانی که انسان نسبت به آنها علم و یقین ندارد بر می‌گردد به اینکه یا از افراد غیر مؤثق شنیده و یا اینکه ادعاهای پوشالی می‌کند و می‌گوید من دیده‌ام و حال آنکه ندیده‌ام و یا اینکه دچار قضاوت‌های بی‌مأخذ و بی‌مدرك شده که خلاف واقعیت خارجی هستند. از این رو از چشم و گوش و فکر و عقل او که منابع ادراکی و حسی او هستند پرسیده می‌شود که آیا واقعا شما به این مسائل ایمان داشتید که شهادت دادید، یا قضاوت کردید، یا به آن معتقد شدید و عمل خود را بر آن منطبق نمودید که نتیجه‌ای جز هرج و مرج اجتماعی و از بین رفتن روابط انسانی و پیوندهای عاطفی نداشت.

بنابراین یکی دیگر از مواردی که در تعامل با دیگران باید در نظر گرفته شود مسئله اجتناب از شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری است. و مسلمانان برپایه داده‌های و حیانی حق ندارند بدون علم و دانش مطلبی را تأیید و یا انکار نمایند باید با دلیل و

برهان معقول و مشروع اقدام کنند. بااین وجود اگر این اصل قرآنی در بین جامعه اسلامی نهادینه شود و همگان در مقام نظر و عمل ملتزم به آن شوند بعید است که دیگر این همه اختلافات و تشتت وجود داشته باشد.

۶-نهایت سرزنش برای شتاب‌زدگی در تکذیب

یکی از محورهای اساسی دعوت قرآن مجید بر اساس آیه ۳۶ سوره اسراء که توضیح اش گذشت اجتناب از شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری است و قرآن کریم جهت اهمیت و کاربردی بودن مسئله همان‌طور که دستور داده است که مسلمانان از تصمیمات بدون تأمل و تعمق و بدون شناخت جوانب قضیه دوری گزینند، امر نموده است کسانی که بدون آگاهی، پیامبران و ره‌آوردهای کلام وحی را انکار و تکذیب می‌کنند دچار عقوبت شدید خواهند شد.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ» (یونس/۳۹)، بلکه چیزی را دروغ انگاشتند که به علم آن احاطه نداشتند، و هنوز سرانجام (واقعیت) آن برایشان نیامده است.

بدون تردید عده‌ای از مردم جز از گمان پیروی نمی‌کنند و بیشتر اوقات درباره چیزی داوری می‌نمایند و حکم صادر می‌کنند که از آن اطلاع و آگاهی ندارند و حال آنکه مستفاد از کلام وحی این است که قضاوتی که انجام می‌شود حکمی صادر می‌گردد باید اطلاع و آگاهی بر آن سبقت و پیشی بگیرد (سید قطب، ۱۴۲۵: فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۷۹۴).

بنابراین بدون فهم عمیق و دقیق یک مسئله، انکار و تکذیب آن نه تنها امری معقول و مطلوب نیست بلکه به گفته ابن عاشور نشان حماقت و جهالت است (ابن

عاشور، ۱۴۲۰: التحریر و التنویر، ج ۱، ص ۸۵) و البته عمده دلیل این انکارها ریشه در جمود فکری و تقلیدهای کورکورانه از باورهای نهادینه شده دارد؛ لذا آلوسی در تفسیر آیه شریفه می‌گوید: دلیل انکار ناشی از فرط نفرتی بود که از هر آن رخداد مخالف با دین خود داشتند و از هر واقعه‌ای که آنان را از آیین نیاکانشان جدا می‌کرد می‌گریختند (آلوسی، ۱۴۰۷: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۳۴۸) زیرا دل آنان تنها درستی مذهب خودشان و باطل بودن مذاهب دیگر را دریافته است.

به نظر دلیل اصلی انکار و تکذیب از سوی مشرکان این است که هنوز تعامل به نحوی احسن صورت نگرفته و به آراء و نظرات دیگران خوب گوش نداده‌اند بلکه یک طرفه‌گزینش نموده و براساس آن حرکت کرده‌اند و حال آنکه قرآن کریم بشارت می‌دهد که ادله دیگران را بشنوید و بعد بهترین رأی را گزینش نمایید. (زمر/۱۸)؛ تا به سرنوشت این جماعت دچار نشوید که کورکورانه و به تبعیت از گذشتگان‌شان همه چیز را انکار و طرد می‌کنند.

براساس آیه کریمه مورد بحث می‌توان این اصل فراگیر را به‌عنوان یک قانون جهان شمول اعلام کرد که هیچ‌کسی حق ندارد بدون برهان و دلیل قاطع لب به تصدیق و تکذیب مطلبی بگشاید؛ زیرا تکذیب چیزی بدون تثبیت مبادی آن و نیز تمرد از قانونی بدون احراز مبادی یقینی آن در صورتی که نشان صدق و صواب بودن آن آشکار و علامت حق و صحیح بودن آن هویدا است، خطای علمی و ظلم عملی است، و چون حیات مسئولانه جامعه بشری با اثبات و نفی علمی و گرایش و گریز عملی تأمین می‌شود و در فرهنگ اسلام، همه امور مزبور باید عالمانه باشد، لذا چاره جز عقل‌گرایی و پژوهش علمی نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶: سرچشمه اندیشه ج ۳ ص ۶۸۱) بی‌شک

این حمایت همه‌جانبه از تعقل، برای آن است که اساس فرهنگ اسلامی، اندیشه صائب و انگیزه صالح است.

غرض آنکه بر اساس ره‌آوردهای کلام وحی همان‌طور که اثبات و تصدیق نیازمند دلیل و برهان است و سلب و تکذیب نیز باید این چنین باشد یعنی انسان در هر دو بعد (نفی و اثبات) در تأمین حیات معقولش باید بر مدار عقل و احاطه علمی حرکت کند.

۷- استدلال و فهم استدلال در سخن گفتن

یکی دیگر از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اصلی گفتگو و مناظره مسئله طرح استدلال و درک و فهم آن است و به نظر ریشه بسیاری از کج‌فهمی و یا موضع‌گیری‌های نا به جا و ناروا از همین جا نشأت می‌گیرد زیرا بسیاری از مواقع دلایل طرف مقابل خوب فهم نمی‌شود. قرآن کریم با عنایت به اهمیت و ضرورت این مسئله در هنگام گفتگو و مجادله احسن خطاب به کافران می‌فرماید: «قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءَابَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (زخرف/۲۴)، (پیامبرشان) گفت: و آیا اگر (بر فرض آیینی) راهنماتر از آنچه نیاکانتان را بر آن یافته‌اید، برای شما بیاورم (باز هم از آنان پیروی می‌کنید)؟! «گفتند:» در حقیقت ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم.

پیامبر اکرم (ص) هنگامی که دید مشرکان و کافران با تأسی و الگو‌گیری از نیاکانشان در برابر دعوت‌های او می‌ایستند و همه چیز را انکار و تکذیب می‌کنند، تلاش نمود که قوه عاقلانه آنان را که خفته و خوابیده بود بدار سازد و به تأمل و تعمق وادارد لذا خطاب به آنان فرمود: آیا از پدران خود پیروی می‌کنید و از آنها تقلید می‌کنید هرچند که آنچه از دین که من برایتان آوردم هدایتی صحیح‌تر از آن باشد؟ (مراغی، بی- تا: تفسیر المراغی، ج ۲۵، ص ۸۱).

نکته اصلی که در این شیوه و روش گفتگو و مناظره پیامبر ختمی مرتبت حضرت محمد مصطفی (ص) وجود دارد این است که نهایت ادب و احترام را برای اشخاصی که در اوج لجاجت و نخوت و خود برتر بینی هستند به کار برده و با ملایمت و نرمی می گوید اگر دلیل و برهان متقن و محکم بیاورم بر اینکه دین من کامل تر و برحق تر است می پذیرید یا خیر؟ این سخنان را هنگامی رسول گرامی اسلام (ص) می فرمایند که شناخت کامل از جهل و تعصب و لجاجت آنان پیدا کرده است لکن با این عملکرد به مسلمانان می آموزد که در هنگام گفتگو و مناظره و تعامل با مخالفین و معاندین چگونه عمل کنید حتی زمانی که طرف مقابل با وقاحت تمام هیچ دلیل و برهانی را نمی پذیرد و تصریح می کند که ما بر دین پدران خود باقی می مانیم و به هیچ وجه روی بر نمی گردانیم هرچند دین شما هدایت کننده تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰: التفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۶۲۸).

خلاصه آنکه انسان خواه تابع و پیرو یا متبوع و پیشوا باید عقاید و اعمالش متکی به حجّت و برهان شرعی، اعم از عقلی و نقلی باشد. یعنی هم پیروی و تبعیت باید عالمانه باشد و هم پیشوایی و رهبری باید محققانه باشد و تقلید کورکورانه از هیچ کس پذیرفته نیست.

بنابراین سیره و سنت رسول خدا بر این اصل استوار است که اولاً برای اثبات و رد مطلبی دلیل و برهان اقامه می کند و ثانیاً آنها را به گونه ای که قابل فهم و درک باشد ارائه می نماید و ثالثاً نهایت ادب و احترام طرف مقابل را نیز رعایت می کند و این امور باید به عنوان الگوی همه مدعیان حق و حقیقت قرار گیرد.

۸- کرامت بخشی به مخاطب در سخن گفتن

یکی دیگر از اصول جهان‌شمول پیامبر اکرم (ص) در مقام تعامل و گفتگو با دیگران احترام گذاشتن به مخاطب است. بدون تردید رسول گرامی اسلام (ص) باور داشت که در مسیر هدایت است (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: متشابه القرآن و مختلفه، ج ۲، ص ۱۳)، و کفار در طریق ضلالت و گمراهی؛ لکن از باب ادب و خضوع و انصاف (آل غازی، ۱۳۸۲: بیان المعانی، ج ۳، ص ۵۰۹) به طرف مقابل شرافت و کرامت قائل شده و می‌فرماید: «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سبأ/۲۴)، و قطعاً ما، یا شما بر هدایت یا در گمراهی آشکاری هستیم.

زمخشری از مفسران گرانمایه در تبیین و تشریح آیه کریمه می‌گوید: به چنین شیوه‌ای سخن گفتن از روی عدل و انصاف است که موافق و مخالف آن را بشنود، به کسی که مورد خطابش باشد، می‌گوید: با تو به داد سخن گفته‌اند و پس از بیان گزارش بلیغی که پیش از آن آمده آشکارا دلالت می‌کند که چه کسی راه یافته و چه کسی به بیراهه رفته است.، اما به شیوه تعریض و کنایه و توریه سخن گفتن تیر استدلال‌کننده را مؤثرتر به هدف می‌نشانند و در خصم کارگرت‌تر می‌افتد و او را محکوم می‌کند و از فتنه و شرّ او می‌کاهد و چنان او را نقش زمین می‌کند که شوکتش می‌شکند. (زمخشری، ۱۴۰۷: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۵۸۱).

سید قطب از ادیبان برجسته و از اندیشمندان و اصلاحگران بزرگ معاصر در تفسیرش فی ظلال القرآن که یکی از بهترین تفاسیر ادبی - اجتماعی است می‌گوید: «این نهایت انصاف و عدالت و ادب در ستیزه و جدال است، این که پیغمبر خدا (ص) به مشرکان بگوید: یکی از دو طرف ما قطعاً راهیاب است و طرف دیگر گمراه. سپس بگذارد تشخیص راهیاب آن دو طرف، و گمراه آن دو طرف به عقل سالم حواله گردد.

تا بدین وسیله تدبیر و تفکر را در کمال آرامش برانگیزد، و افتخار بزهکارانه آن را نپوشاند، و عشق و علاقه به ستیزه و نیرنگ‌بازی آن را نیالاید. زیرا پیغمبر راهنما و معلم است.

لازم است ایشان را رهنمون و رهنمود کند نه این که آنان را خوار و زبون سازد و سرکوب نماید، محض جانب‌داری از خواری و زبونی و سرکوبی! جدالی بدین شیوه پاکیزه الهام‌گرانه، بهتر و زوتر دل‌های متکبرانه ستیزه‌جویی را می‌ساید که با جاه و مقام می‌نازند و گردن می‌افرازند، و خویشان را بالاتر از اقرار به حق و تسلیم شدن در برابر حقیقت می‌گیرند. همچنین جدال پاک و پسندیده، بهتر تدبیر و تفکر راهنما و قانع شدن ژرف و ریشه‌دار را بر می‌انگیزد. این هم نمونه‌ای از ادب مجادله است و سزاوار دعوت‌کنندگان مکتب اسلام است که درباره آن بیندیشند» (سید قطب، ۱۴۲۵: فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۲۹۰۵)، جناب قرطبی هم این نوع سخن گفتن و استدلال کردن را منصفانه دانسته و می‌گوید اینکه شخص به طرف مقابلش بگوید که یکی از ما دروغ‌گو است و می‌داند که او صادق و دوستش دروغ‌گو است انصافش به مراتب بیشتر از آن است که صریحاً او را تکذیب کند (قرطبی، ۱۳۶۴: الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۲۹۸) و بدون تردید کسانی که می‌شنوند خواهند گفت که گوینده شخص منصف است ضمن آنکه پوشاندن حقیقت و به کنایه گفتن تأثیرش از مستقیم گفتن بسیار بیشتر است (ابوحیان، ۱۴۲۰: البحر المحیط فی التفسیر، ج ۸، ص ۵۴۷).

صاحب التفسیر الوسیط (زحیلی)، در تبیین آیه کریمه می‌گوید: «این روشی بسیار مهربانانه و مؤدبانه در گفتگو، برای واداشتند طرف مقابل که معاند است به اینکه اوضاع خود و دیگران را بررسی کند و از این مهم‌تر اینکه این نوع سخن گفتن دعوت

به آزادی و دادن حق انتخاب به مخاطب در آنچه که مورد علاقه و مصلحت اش است می‌باشد» (زحیلی، ۱۴۲۲: التفسیر الوسیط، ج ۳، ص ۲۱۰۶).

آنچه که از مجموع توضیحات ذکر شده از سوی مفسران گرانمایه بدست می‌آید این است که پیامبر ختمی مرتبت حضرت محمد مصطفی (ص) در تعامل با معاندین که عناد و دشمنی آنان برای همگان روشن بود با مهربانی و در کمال ادب و احترام با آنان گفتگو می‌کرد و از آنان می‌خواست با مدد گرفتن از رسول باطنی (عقل) آنچه را که سعادت و خوشبختی آنان را تضمین می‌کند انتخاب نمایند.

نتیجه

برپایه رهاوردهای پژوهش مشخص شد که گزاره های وحیانی قرآن کریم، برقراری ارتباطات کلامی مؤثر را منوط و وابسته به رعایت مؤلفه‌های همچون خوب گوش دادن به سخن دیگران و پذیرش بهترین و نیکوترین مطلب، به بهترین نوع ممکن سخن گفتن، عالمانه و محققانه سخن گفتن، اجتناب از شتابزدگی در تصمیم گیری، نهایت سرزنش برای شتابزدگی در تکذیب سخن دیگران، استدلال و فهم استدلال در سخن گفتن، کرامت بخشی به مخاطب در سخن گفتن، دانسته و تأکید کرده است که مسلمانان موظف هستند که در هنگام تعامل و گفتگو با دیگران ضمن رعایت کرامت انسانی، مستدل و مستدل و منطبق بر منطق استوار سخن گویند و از هر نوع تهمت زدن و بی دلیل و برهان سخن گفتن با دیگران اجتناب نمایند.

منابع

قرآن کریم

ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، لبنان- بیروت، مؤسسۃ التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه. ق.

ابن کثیر، اسماعیل دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیہ، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

ابن شہر آشوب، محمد بن علی، متشابہ القرآن و مختلفہ، بیدار، قم، چاپ اول، ۱۳۶۹. اندلسی، ابوحنیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.

آلغازی، عبدالقادر، بیان المعانی، سوریه- دمشق، مطبعۃ الترقی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه. ق آلوسی، محمود بن عبداللہ، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیہ، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه. ق. بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود الفراء، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۵ھق.

بیضاوی، عبداللہ بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ه. ق.

ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراہیم، الكشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربیہ، ۱۴۲۲ق.

دروزہ، محمد عزه، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، لبنان- بیروت، دار الغرب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ ه. ق.

درہ، محمد علی طہ، تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۳۰ھق.

زحيلى، وهبه، التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج، دمشق، دارالفكر، چاپ دوم، ۱۴۱۱هـ.ق.

زحيلى، وهبه، التفسير الوسيط، دمشق، دارالفكر، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ.ق.
زمخشري محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، دار الكتاب العربى، بيروت، ۱۴۰۷هـ.ق.

طباطبائى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ پنجم، ۱۴۱۷هـ.ق.

طبرانى، سليمان بن احمد، التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم (الطبرانى)، اردن- اربد، دار الكتاب الثقافى، چاپ اول، ۲۰۰۸م.

طبرسى ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن (تفسير الطبرى)، بيروت، دار المعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.

طريحي، فخر الدين بن محمد، مجمع البحرين، تهران، مرتضوى، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.

طنطاورى، محمد سيد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره، نهضة مصر، چاپ اول، ۱۹۹۷م.

طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ اول، بى تا.

فخر رازى، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، لبنان- بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ۱۴۲۰ هـ.ق.

قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ایران- تهران، ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ ه. ش.

قطب، سید، فی ظلال القرآن، لبنان- بیروت، دار الشروق، چاپ سی و پنجم، ۱۴۲۵ ه. ق.

مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، لبنان- بیروت، دار الفکر، چاپ اول، بی تا.
دعایی، حبیب الله، ارائه الگوی ارتباطات سازمانی مناسب در گروه‌های صنعتی فولاد ایران، فصلنامه دانش مدیریت، ش ۱۵، ۱۳۷۳.

فرهنگی، علی اکبر. صفرزاده، حسین. خادمی، مهدی، نظریه‌های ارتباطات سازمانی. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. تهران. چاپ اول، ۱۳۸۳.

پیروز، علی آقا؛ ابوطالب خدمتی، عباس شفیعی و سید محمود بهشتی‌نژاد، مدیریت در اسلام. ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. زیتون، چاپ سوم، ۱۳۸۴